



# فرهنگ دینی در دانشگاه‌ها و رسالت مادر قبال نسل سوم

حمید شفیق زاده  
عضو هیات علمی دانشگاه  
آزاد اسلامی واحد گرمسار

## مفهوم

دانشگاه و نظام آموزش عالی در هزاره سوم، همانند سایر نهادهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای مقابله خردمندانه با چالش‌ها و نیازهای پیش رو، باید به استقبال نوعی تجدید حیات و تغییرات گسترده و متنوع در اهداف، وظایف و کارکردها برود. یکی از مهمترین این تغییرات، تجدیدنظر در رابطه میان آموزش عالی با فرهنگ و نیازهای جدید جامعه است.

نظام آموزش عالی ایران پس از سه دهه پرفراز و نشیب پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رابردهای دوگانه‌ای را تجربه کرده است: دغدغه‌های پاسداشت دین و ارزش‌های دینی در دانشگاه، و نگرانی از استحاله میراث فرهنگی و کارکردهای ذاتی دانشجویان.

مهم‌ترین کارکردهای نظام آموزش عالی، تولید دانش (پژوهش)، انتقال دانش (آموزش)، و نشر دانش (خدمات) است. از میان این سه کارکرد، تولید دانش، مهم‌ترین کارکرد دانشگاه‌ها است. دانشگاه‌ها با این کارکردها، می‌توانند به دلایل زیر، عمل تغییر در جوامع باشند:

۱. تولید دانش، فناوری نو را ممکن می‌سازد، رشد و گسترش فناوری‌های نوین، چهره جوامع را روز به روز دگرگون می‌سازد.

۲. انتقال دانش تولید شده به نسل جوان، به منظور تربیت دانش‌آموختگان فرمیخته و تربیت نیروی انسانی

متخصص در جامعه است. این امر موجب پیدایش و شکل‌گیری اندیشه‌ها و جهان‌بینی نو و نهضت‌های فلسفی و اجتماعی و نیز مکانی مناسب برای تعالی افکار و تضارب آراء می‌باشد.

۳. ضرورت نشر دانش تولید شده به این معناست که نظام اقتصادی، بر اصل رقابت استوار است. در این نظام، کسانی می‌توانند در صحنه رقابت به حیات خود ادامه دهند که در فعالیت خود، اعم از علمی، فرهنگی، تولیدی، بازرگانی و ... به نوآوری روی آورده و خود نیز نوآور باشند. این نوآوری، نیازمند خلاقیت است. خلاقیت در دنیای امروز، بدون دسترسی به آخرین دستاوردهای علمی و پژوهشی، ناکارآمد است.

اینجاست که جایگاه بایسته دانشگاه و نقش آن در جامعه روشن می‌گردد از این رو، کلیه بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه به منظور دسترسی به آخرین یافته‌های پژوهشی، باید ارتباطی تنگاتنگی با دانشگاه‌ها برقرار نمایند. بنابراین، نظام آموزش عالی یکی از پر ارزش‌ترین منابعی است که جامعه برای پیشرفت و توسعه در اختیار دارد. منظور از توسعه گسترش توانایی‌ها، ظرفیت فکری، دانش و مهارت‌های فنی، خلاقیت و نوآوری، قابلیت انسان‌ها برای حل مسایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و بهرمندی از منابع دستاوردها و امکانات جامعه با هدف بهبود شرایط زندگی مادی و معنوی

## ممکنی است.

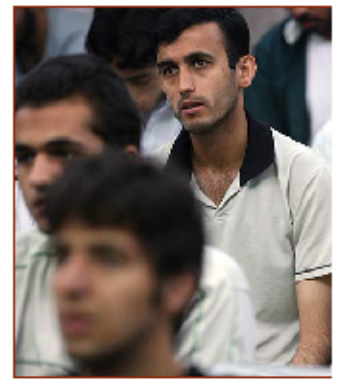
نظام آموزش عالی و یک دانشگاه کارآمد، مرکز نمی‌تواند در خلاء و جدا از محیط خرد و حمایت همه‌جانبه نظام‌های کلان توسعه یابد؛ چرا که دانشگاه در نظام‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه محاط است که هم از آنها تأثیر می‌پذیرد و هم بر آن تأثیر می‌گذارد. از این رو، امروز از یک سو دانشگاه‌ها مهد پرورش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است و از سوی دیگر، محل تولید و انتقال اندیشه و علم است. به همین دلیل، دانشگاه به عنوان یک نهاد اجتماعی، باید به نیازها، ضروریات، و الزامات توسعه همه‌جانبه جامعه پاسخگو باشد.

## نقش فرهنگ در دانشگاه

فرهنگ دانشگاهی نظام بلورها، ارزش‌ها و کنش‌های فرهنگی دانشگاهیان است. این ارزش‌ها و الگوها در نشانه‌های نمادین مثل اسطوره‌ها، مناسک، افسانه‌ها و زبان متمایز تجلی می‌یابند. از منظر انسان‌شناسان سازمانی، هر سازمانی پنجره‌هایی به درون خود دارد که امکان مشاهده تأثیرات فرهنگی را میسر می‌سازد. در واقع، چهار رکن اصلی فرهنگ سازمانی عبارتند از:

۱. حمله: ریشه در تاریخ سازمان دارد و موفقیت‌های منحصر به فرد سازمان را نشان می‌دهد.

اما امروزه موفقیت  
مراکز دانشگاهی  
در اعتلای فرهنگ  
دینی، با تردیدهای  
جدی مواجه شده  
است؛ چرا که  
احساس می‌شود  
دانشجویان در  
آغاز ورود به  
دانشگاه، به مسائل  
دینی و فرهنگی  
پایین‌ترین تا زمانی  
که از دانشگاه فارغ  
التحصیل می‌شوند.



۲. نسل سوم: این نسل تا حدودی از تعلقات عاطفی و فرهنگی دو نسل اول انقلاب اسلامی عاری است. در واقع، آنچه که در فرآیند انقلاب اسلامی برای دو نسل قبل زندگی و واقعیت بوده، برای نسل سوم، تاریخ محسوب می‌شود. وضعیت این نسل که هم‌اکنون در مدارس و دانشگاه‌های کشور تحصیل می‌کنند، تا حدودی نگران کننده است. در این راستا، تهاجم و شیخون فرهنگی بیشتر به دنبال بی‌آینده کردن انقلاب اسلامی در نسل سوم است.

از این رو، وظایف دانشگاهها و مراکز آموزش عالی را می‌توان پرورش حداقل چهار جنبه از رفتار در دانشجویان دانست. اگر این چهار جنبه در هسته مرکزی شخصیت دانشجو نهادینه شود، هویت فرهنگی دانشجو، فرام گرفته و فرهنگ خودتنظیم کنندگی، خودرأیبری و مصون‌سازی تمام شخصیت او را فرامی‌گیرد. این چهار بعد عبارت است از:

- ۱. بعد درون فردی دانشجو: بعد درون فردی به احساسات و ادراکات درونی دانشجو مربوط می‌شود. بعد درون فردی همچنین شامل شخصیت‌های فرعی هر دانشجو مانند پرخاشگری یا منفعل بودن، مردانه یا زنانه بودن و سایر خودهای فرعی می‌شود. دانشگاه باید تلاش نماید تا با برنده‌های متنوع آموزشی، فرهنگی و فرق برنده‌های درسی، رویاهای هدایت‌شده و تمرین‌های هوشارانه غیرکلامی، هوشاری دانشجو را نسبت به خودهای فرعی که در مجموع، هویت درون فردی دانشجو را تشکیل می‌دهند، تسهیل نماید و در نهایت، آنها را با یکدیگر هم‌نوا و هماهنگ سازد تا یکپارچگی درونی دانشجو تحقق یابد.

۲. بعد میان فردی دانشجو: بعد میان فردی شامل روابط با دیگران، چگونگی ادراک

سازد. دانشگاه باید مهد تربیت انسان‌های فرمیخته، مذهب، خودساخته، فعال، اخلاقی، متخصص و متعهد باشد که با پایبندی به ارزش‌های دینی، بستر مناسب را برای توسعه و شکوفاسازی استعدادها در جامعه اسلامی را فراهم می‌سازند. اما امروزه موفقیت مراکز دانشگاهی در اعتلای فرهنگ دینی، با تردیدهای جدی مواجه شده است. چراکه احساس می‌شود دانشجویان در آغاز ورود به دانشگاه، به مسائل دینی و فرهنگی پایبندترند تا زمانی که از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شوند.

نسل سوم و رسالت ما  
برخلاف تضاد و آشفتگی‌ها در هویت فرهنگی که در برخی از دانشگاه‌های جهان و کشور شاهد آن هستیم، در سال‌های اخیر شاهد گرایش فزاینده به دین و فرهنگ دینی هستیم. برخی معتقدند که در آستانه یک رنسانس معنوی در دانشگاه‌ها هستیم.

در مقابل این تفکر، نوعی مسمومیت و مسخ فرهنگی که طبعاً به دنبال انسانیت زدایی نیز است، وجود دارد. در اینجا وظایف دانشگاهها و مراکز آموزش عالی که از بضاعت علمی و فرهنگی بالاتری برخوردار هستند، سنگین‌تر جلوه می‌نماید. بنابراین، دانشگاه‌های ما باید نسل سوم انقلاب را واکنش‌ده و مصون سازند.

لازم به ذکر است که منظور ما از سه نسل اصلی در کشورمان عبارت است از:  
۱. نسل اول: نسلی است که با تعلقات عاطفی، مذهبی، عقلانی و فرهنگی، انقلاب اسلامی را به ثمر رسانده است.  
۲. نسل دوم: نسل مقاوم، فرهنگ‌ساز، وفادار به جهاد و دفاع مقدس در طول جنگ تحمیلی و مجری برنده‌های انقلاب اسلامی بوده است.

۳. قهرمانان: افرادی هستند که برای سازمان بسیار مهم بوده و به منزله الگوهای مطرح هستند که ارزش‌های سازمان را به نمایش می‌گذارند.

۴. نمادها: نشانه‌های قابل لمس و رویکردهای ضمنی فرهنگ (باورها و ارزش‌ها) را تشکیل می‌دهند.

۵. مناسک: کنش‌هایی هستند که به ارزش‌ها و باورها هویت می‌بخشند. در نظام آموزش عالی، فرهنگ می‌تواند زندگی دانشجو، مسائل سازمانی و برنده‌های درسی او را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، فرهنگ دانشگاهی، از یک سو بر کنش‌های دانشگاهی کنترل و نظارت نظری اعمال می‌کند و برای تثبیت وضعیت موجود، قابلیت‌های لازم را به نمایش می‌گذارد و از سوی دیگر، معمولاً تحت تأثیر فرهنگ سایر نظام‌هاست. بنابراین، فرهنگ دانشگاهی، محصول فرهنگ، ساختار و روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هر جامعه‌ای است.

فرهنگ دینی در دانشگاه‌ها  
فرهنگ دینی، فرهنگی است که انسان را با وظایف دینی آشنا و مبانی اعتقادی وی را مستحکم می‌کند و در نهایت، فطرت انسانی و الهی را بارور می‌سازد. امام خمینی (ره) محرم بزرگ انقلاب اسلامی، که براساسی مفسر تاریخ دانشگاه در ایران است، می‌فرماید: دانشگاه مبدأ همه تحولات است. بدین معنا که دین‌باوری، دین‌داوری و دین‌محوری در جامعه ایران و حل چالش علم و دین، در گرو فعالیت و مشارکت دانشگاه و نظام آموزش عالی است. از دیدگاه امام، دانشگاه، دارای رسالتی خاص در حوزه انسان‌سازی است. بنابراین، دانشگاه باید برای شکوفایی و رستن از قید و بند جهل، برای نیل به کمال، زمینه‌های لازم را فراهم

عشق و کار هر دو  
شالوده و اساس  
پرورش و تغذیه  
روح فرهنگی به  
شمار می‌روند. باید  
در برنامه آموزشی  
دانشگاه، این دو  
نقش محوری داشته  
باشند و بتوانند به  
عنوان مخزن دائمی  
انرژی مورد بهره  
برداری قرار بگیرند.

دانشجو از دیگران و چگونگی برقراری ارتباط با آنهاست. دانشگاه می‌تواند فرصت‌های آموزشی و تربیتی فراهم آورد تا دانشجویان بتوانند ادراکات خود را در عمق بخشی رولپ با دیگران تبیین و تحلیل نمایند و با استفاده از تجارب سایر دانشجویان، خوب‌ترین شناسی خود را در مقایسه و در ارتباط با دیگران عمق بخشیده و گزینه‌های مختلف رفتاری خود را نمادی و نهادینه کنند. در واقع، نوعی خودارزشیابی درونی صورت می‌گیرد که نتایج آن می‌تواند خودتنظیم‌کنندگی رفتار در رولپ با دیگران باشد.

۲. بعد برون فردی دانشجو: بعد برون فردی به بستر یا ساختار اجتماعی که تجربه دانشجو را احاطه کرده، مربوط می‌شود. این موارد شامل ساختار خانواده، دانشگاه، جامعه محلی و جامعه کشوری، منطقه‌ای و جهانی می‌شود. در واقع، دانشگاه‌ها با ارائه برنامه‌هایی می‌توانند به سهم خود بسترهای رشد فرهنگی، اجتماعی و شخصیتی دانشجو را در محیط دانشگاه فراهم آورند و با استفاده از قدرت علمی خود به دانشجو، ارزش افزوده فرهنگی دهند تا کارایی و کارآمدی آن از مرزهای فیزیکی دانشگاه فراتر رود.

۳. بعد ماورای فردی دانشجو: بعد ماورای فردی را می‌توان به منزله بعدی که سه

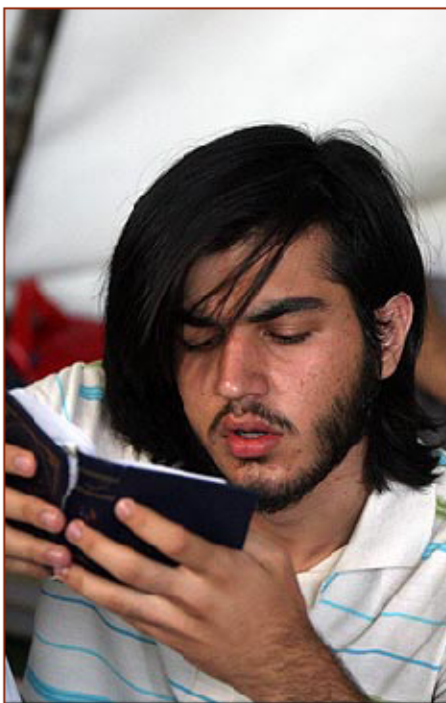
بعد دیگر را دربرگرفته، مطرح نمود. این بعد به تجربه‌های جهان هستی، روحانی و معنوی دانشجو اشاره دارد. بعد ماورای فردی، بستری جهانی برای آزمون پرسش‌های اساسی مربوط به معنویت را فراهم می‌آورد. در واقع، دانشگاه‌ها به فراهم آوردن فرصت‌های فرهنگی، آموزشی و فوق برنامه‌ای برای درک معنویت و درک تعلیقات زیبای قدسی از طریق تجربه شخصی و کشف دانشجو در محیط دانشگاهی از طریق خودتنظیم‌کنندگی پویا می‌پردازند. لازمه تحقق این مهم، وجود اساتید هوشیار و محتفدی است که هوشیاری، اعتقاد و ایمان خود را به دانشجویان منتقل نمایند.

در واقع، با پرورش این چهار بعد رشد شخصی، دانشجو صاحب باورشخصیتی، باور فرهنگی، معرفت دینی و هویت فرهنگی خواهد شد.

فرهنگ پویا و کارآمد  
فرهنگ دینی باید رزمگلهی علیه  
شیخون و تهاجم فرهنگی نظم نوین  
فرهنگی باشد. بی‌اعتنایی فرهنگی به این  
تهاجم‌ها، سرانجملی حلقه‌های و مرگبار  
برای فرهنگ خودی، یعنی فرهنگ نسل  
سوم دارد. باید پذیرفت که آسیب‌شناسی  
فرهنگی زمینه آسیب‌زدایی آن را فراهم

می‌آورد. استعمارگران آگاهانه از تکنیک‌ها و تاکتیک‌هایی همچون حذف واقعیات، کلی‌بلی، دروغ‌های بزرگ، مسئله‌سازی و ذوب فرهنگی استفاده لیزاری می‌نمایند تا به مدد آنها بتوانند آشنفکی، گسکنی، تضاد و عویرت زدایی فرهنگی را در کشور ایجاد نمایند. در مقابل این تهدیدات، روزنه امید به روی جهان امروز گشوده شده که عملاً فرهنگ دینی، معنویت فطری، رنسدس معنوی و تجدید بنای ارزشی است که اگر با تکنیک و تاکتیک‌های برنامه ریزی شده به کار گرفته شود، حریم و حرمت انسان‌ها و کرامت آنان حفظ می‌گردد.

در این میان، دانشجویان به عنوان آگاه‌ترین اقدار جمله نقش کلیدی دارند. دانشگاه‌ها می‌توانند پرورش ابعاد درون فردی، میان فردی، برون فردی و ماورای فردی دانشجویان را آگاهانه و عالمانه طراحی کنند. برای تحقق این مهم، برنامه‌های معنوی و روح بخش و مدیریت فرهنگی معنوی مورد نیاز است. اما متأسفانه بخشی از مدیریت فرهنگی دانشگاهی ما به صورت مدیریت واکنشی اداره می‌شود، نه به صورت مدیریت پیش کنشی. مدیریت فوق، فاقد هرگونه عشق و لنگیزه‌های درونی است! دانشجویان را به عنوان اشیاء بی‌جان می‌نگرد. به علاوه در



راستای تحقق رسالت تربیتی دانشگاه‌ها کمک کند.

۸. فرهنگ روحیه‌پذیری در خصوص امید به زندگی با استفاده از تکنیک‌ها و تاکتیک‌های برنامه درسی دینی و معنوی باید به بخشی از نهاد دانشگاه تبدیل شود.

۹. ترویج فرهنگ مثلث معنوی، یعنی عشق، عدالت و آزادی موجب پرورش شخصیت‌های مستقی، قلیل اعتماد و کارآفرین در دانشگاه می‌گردد. این فرهنگ، به حفظ حرمت و حریم دانشجویی و کرامت دینی وی منجر می‌شود.

۱۰. عشق و کار هر دو شالوده و اساس پرورش و تغذیه روح فرهنگی به شمار می‌روند. باید در برنامه آموزشی دانشگاه، این دو نقش محوری داشته باشند و بتوانند به عنوان مخزن دانشی انرژی مورد بهره برداری قرار بگیرند.

۱۱. استادان با پیوند زدن مباحث علمی با زمینه‌های دینی و فراهم‌سازی زمینه‌ها و فرصت‌های عملی مناسب در خلال برنامه‌های درسی و آموزشی و فعالیت‌های عملی دروس مختلف، می‌توانند به تربیت دینی دانشجویان و تحقق رسالت دینی دانشگاه کمک کنند.

منابع در دفتر نشریه موجود است.

۲. شناسایی نیروهای بصلاحیت دانشگاه در رده‌های میات علمی و کارکنان و سوق دادن آنها به سوی برنامه‌های تربیتی در حوزه‌های تربیت دینی و اجتماعی، جهت تحقق رسالت تربیت دینی دانشگاه.

۳. آگاهی از فرهنگ دینی و ارزشی به زبان دانشجویی، می‌تواند توازنی در بصیرت فرهنگی آنها به وجود آورد.

۴. تقویت فرهنگ دینی دانشجویان می‌تواند بطور غیرمستقیم از نوع و چگونگی فضای دانشگاه نیز متأثر شود. بنابراین، بر مدیریت دانشگاه لازم است بیش از پیش، در راستای برقراری فضای اسلامی در دانشگاه‌ها و در عمق و باطن رفتارها تلاش کند.

۵. اساتید دانشگاه، تنظیم‌کننده فضای کلاس درس هستند. تقویت فرهنگ دینی در اساتید کلیه دروس و رشته‌ها، می‌تواند موجب تقویت روح معنویت در دانشجویان و دانشگاه شود.

۶. شناسایی نیازها و علایق دینی دانشجویان، شیوه‌های تربیتی متناسب با خصایص و نیازهای دانشجویان و همچنین تهیه جزوهای آموزشی به منظور آشنایی اعضای هیأت علمی دانشگاه با شیوه‌های تربیتی دینی دانشجویان، می‌تواند به غنای شیوه‌های تدریس و آموزش آنها در

این فرآیند، دانشجویان تحت فشار مالی، اجتماعی، رسانه‌ای، ماسواره‌ای، زمانی، عاطفی و در عصر مصرف‌گرایی و مادی‌گرایی فرار گرفته و در آستانه گسست و تضاد فرهنگی هستند. این امر، نیاز به یک برنامه ریزی اصولی و منسجم فرهنگی در دانشگاه‌ها را ضروری می‌سازد.

راهبردهای کارآمدسازی دانشگاه و دانشجو

برای نیل به فرهنگ پویا و کارآمد دینی در دانشگاه برای نسل سوم انقلاب، و ارتقای دینی و فرهنگ معنویت باید راهبردهای زیر را در دانشگاه پی بگیریم:

۱. معنویت و امور دنیوی را نمی‌توان از یکدیگر جدا کرد. این مهم باید در لابلای مفاهیم فرهنگی، آموزشی و پژوهشی ارائه شود.

۲. اساسی‌ترین وظیفه مدیران فرهنگی دانشگاه‌ها طراحی، مدیریت، پشتیبانی، عملیاتی‌گری و ارزشیابی مداوم نظام جامع تربیتی دانشگاه است. در واقع، این ساختار مسئول طراحی، تدوین و استقرار نظامی است که طی آن سیاست‌گذاری، هدایت‌گری، برنامه ریزی، اجرا و ارزشیابی فعالیت‌های تربیتی به طور مداوم و پیوسته انجام شود.

